

چالش های جهانی نظامهای بیمه ای



بیمه های اجتماعی حقی همگانی است و منجر به تقویت و پیشرفت جامعه در حوزه های اقتصادی، اجتماعی می شود. گسترش دامنه پوشش بیمه ای در تمام جوامع از اولویتهای اصلی محسوب می شود و دسترسی به بیمه های اجتماعی، ضمن کاهش میزان قابل توجه ای از فقر، ممکن است جامعه را با چالش هایی مواجه کند.

سیاست گذاران و دولتمردان نظام های بیمه های اجتماعی، باید به تمامی گروه های مختلف اعم از خویش فرمایان، کارگران روستایی، زنان و کسانی که در عرصه اقتصاد فعالیت دارند، دسترسی داشته باشند. از سوی دیگر توسعه اقتصاد ملی و درمان، بی ثباتی اقتصاد، بلوغ و قلمرو قانونی نظام های بیمه های اجتماعی، ماهیت بازار کار، میزان اقتصادهای سنتی و یا روستایی در مقایسه با اقتصاد مبتنی بر دستمزد، اثربخشی نظام مالیاتی و سهام، سطوح شهرنشینی و جغرافیایی از جمله موانعی است که مانع گسترش دامنه پوشش نظام بیمه های اجتماعی می شود. لذا با درک و شناخت بهتر چالش های پیش روی نظام های اجتماعی می توان در راستای اهداف توسعه پایدار به گسترش پوشش بیمه های اجتماعی دست یافت.

اتحادیه بین المللی تأمین اجتماعی (ISSA) با تحقیق و مشورت با بیش از ۲۸۰ اداره دولتی و سازمانهای بیمه ای اقدام به تهیه گزارشی کرده است که در آن ۱۰ چالش مهم جهانی را که سازمانهای بیمه های در سراسر جهان با آنها مواجه هستند، معرفی می کند که توسعه و تبادل نوآوری ها و استفاده از تجارب موفق سازمانهای بیمه ای در کشورهای مختلف در رویارویی با چنین چالش هایی بسیار حائز اهمیت است.

چالش اول: رفع شکاف دامنه پوشش

درصدی از جمعیت جهان که به مزایای بیمه های اجتماعی دسترسی دارند، دامنه پوشش بیمه های اجتماعی جهانی نامیده می شود که ۵۲ درصد افراد به مزایای سالمندی، ۶۱ درصد افراد به مزایای درمانی و ۳۳ درصد افراد به مزایای حوادث ناشی از کار دسترسی دارند.

دولت ها همواره به دنبال گسترش دامنه پوشش هستند. در دهه های گذشته، ۱,۵ بلیون از مردم به بیمه های اجتماعی دسترسی پیدا کرده اند. برای مثال در کشور چین، در فواصل زمانی میان سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵، رشد متوسط سالانه دامنه پوشش بازنشستگی ۲۷ درصد افزایش یافته است.

تأمین اجتماعی بیش از یک حق اساسی بشر است که به مدیریت چالش های اجتماعی و اقتصادی کمک می کند و این امر هنگامی که دامنه پوشش جمعیت گسترده و جامع باشد نیز رخ می دهد. در سطح جهانی، دسترسی به تأمین اجتماعی هرگز بالاتر از سطح فعلی نبوده و هرگز فقر شدید به این میزان کاهش نیافته است. پیشرفت های چشمگیر اخیر نشان دهنده ترمیم و اصلاح شکاف های پوشش در سطح ملی است، اما چالش های مهم همچنان باقی مانده اند. برای این منظور، گسترش دامنه پوشش از الزامات همه ملت ها است که در اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد برای سال ۲۰۳۰ مورد تأیید قرار گرفته و در ارتقای بسترهای حمایت های اجتماعی ملی سازمان جهانی کار

نیز مورد توجه قرار گرفته است. شکاف دامنه پوشش در حال کاهش است و پیشرفت قابل توجهی در قاره های آفریقا، آمریکا و به ویژه در آسیا و اقیانوسیه صورت گرفته است.

سازمان های عضو اتحادیه بین المللی تأمین اجتماعی گسترش دامنه پوشش را به عنوان چالش برتر در نظر گرفته اند. در برآورد صورت گرفته مشخص شده است که ۵۶ درصد در سطح جهان، ۸۷ درصد در منطقه آفریقا، ۵۲ درصد در منطقه آمریکا، ۳۰ درصد در منطقه اروپا و ۵۵ درصد در منطقه آسیا و اقیانوسیه به سمت گسترش دامنه پوشش حرکت کرده اند.

چالش دوم: نابرابری در طول دوره زندگی

نظام های بیمه های اجتماعی ابزار مهمی برای ایجاد همبستگی اجتماعی، ارتقای مشارکت فعال و مبارزه با نابرابری ها در جامعه هستند. در این نقش ها، "رفع نابرابری درآمد" تنها یک هدف است. همچنین نظام های بیمه های اجتماعی به رفع نابرابری های دیگری نظیر تبعیض جنسیتی، فرصت های شغلی بازار کار یا دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی کمک می کنند و افراد جامعه را توانمند می سازد تا خطرات را کاهش داده و قابلیت های بالقوه خود را بشناسند.

در برخی از کشورهای OECD، پس از بحران مالی سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، سطوح فقر و نابرابری افزایش یافته و ثروت به طور فزاینده در چند منطقه متمرکز شده است. همچنین از دهه ۱۹۸۰ به بعد، نابرابری درآمدی به میزان ۱۰ درصد افزایش یافته است که این امر منجر به ایجاد شکاف درآمدی شده است. بنابراین نظام های بیمه های اجتماعی ضمن کاهش شکاف درآمدی منجر به کاهش نابرابری های جنسیتی و افزایش دسترسی به فرصت های شغلی و مراقبت های درمانی می شوند و با کمک به مردم به ایجاد یک جامعه منسجم می انجامند.

افزایش استخدامهای غیراستاندارد، ثابت ماندن دستمزدها و افزایش نابرابری درآمد، تغییر ساختار خانواده، سطح بالای بیکاری، سرمایه آزاد و تغییر الگوهای مهاجرت از جمله چالش‌هایی است که منجر به ایجاد نگرانی در جامعه می‌شود. همچنین چالش‌های سیاسی و مالی در برخی از کشورها تهدیدی برای برنامه‌های نظام‌های بیمه‌های اجتماعی محسوب می‌شود، به عنوان مثال، افراد هنگام بازنشستگی می‌توانند میان میزان حق مشارکت بیمه و مزایای دریافتی ارتباط برقرار کنند که این تغییرات می‌تواند نقش بارز نظام‌های بیمه‌های اجتماعی را تضعیف کند.

چالش سوم: سالمندی جمعیت

سالمندی جمعیت واقعیتی جهانی است که در کشورهای صنعتی بیشتر دیده می‌شود. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، فرآیند سالمندی جمعیت آغاز شده، اما این روند با سرعت بیشتری نسبت به روند جمعیت‌شناسی در کشورهای توسعه یافته تر اتفاق می‌افتد. این امر چالش‌هایی را در پی دارد. برای اطمینان از پایداری مالی نظام‌های بیمه‌های اجتماعی و رفع نیازهای عموم مردم در جوامع در حال سالمندی، نظام‌های ملی حمایت اجتماعی باید نقش حمایتی خود را با تقویت سرمایه‌گذاری در سلامتی، استخدام و توانمندسازی خود، تکمیل کنند.

جمعیت جهان در حال سالمند شدن است و میانگین امید به زندگی جهانی بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵، به میزان ۵ سال افزایش یافته است. جمعیت جهان در سال ۲۰۱۵ معادل ۷,۳ میلیارد نفر بوده است که در سال ۲۱۰۰ این میزان افزایش می‌یابد و به ۱۱,۲ میلیارد نفر خواهد رسید.

براساس گزارش سازمان ملل متحد، ۶۶ درصد سالمندان جهان در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند که این رقم تا سال ۲۰۵۰ به ۸۰ درصد افزایش می‌یابد. پیش‌بینی شده تا سال ۲۰۵۰ سهم جهانی افراد بالای ۶۰ سال از ۱۱,۷ درصد فعلی به ۲۱,۱ درصد برسد و تعداد افراد بالای ۶۰ سال از ۹۰۱ میلیون نفر در سال ۲۰۱۵ به ۲,۱ میلیارد نفر در سال ۲۰۵۰ می‌رسد که سهم

منطقه آسیا دوسوم از این مقدار افزایش خواهد بود. همچنین درسالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۵۰ تعداد افراد بالای ۸۰ سال به ۳۹۵ میلیون نفر خواهد رسید یعنی تعداد افراد بالای ۸۰ سال سه برابر می شود.

ازسوی دیگر، وابستگی سالمندان نیز درحال افزایش است. نرخ وابستگی سالمندان به جمعیت سن درکار (۱۵ تا ۶۴ سال) درحال رشد است. در سال ۲۰۱۵، این نرخ ۲۸ درصد بوده است و پیش بینی می شود تا سال ۲۰۵۰ به ۵۱ درصد برسد.

درسال ۲۰۱۵ هزینه های عمومی سالمندان درحوزه سلامت و بازنشستگی براساس درصد تولید ناخالص داخلی درکشورهای توسعه یافته ۱۶,۴ درصد بوده و پیش بینی می شود این میزان در سال ۲۰۵۰ به ۲۱,۴۴ درصد و در سال ۲۱۰۰ به ۲۴,۸ درصد برسد. درحالی که در سال ۲۰۱۵ این آمار در کشورهای درحال توسعه، ۵,۵ درصد بوده و پیش بینی می شود که در سال ۲۰۵۰ به ۱۰ درصد و در سال ۲۱۰۰ به ۱۶ درصد برسد.

چالش چهارم: اشتغال کارگران جوان

سطح بالای بیکاری و اشتغال نامناسب در میان زنان و مردان جوان به عنوان چالشی جهانی درنظر گرفته می شود. پاسخ های هماهنگ سازمانهای بیمه های اجتماعی، خدمات اشتغال دولتی و موسسات آموزشی می تواند به بهبود وضعیت اشتغال و کاهش سطح بیکاری، کاهش اشتغال نامناسب و بیکاری کمک کند. به منظور دستیابی به این اهداف، نظام های بیمه های اجتماعی درصدد ارائه حمایت های درآمدی و تنظیم نقش های مرسوم هستند. با این حال تنها یک دهم نیروی کار جهانی به حمایت های بیمه بیکاری دسترسی دارد و توسعه بهداشت بازارهای کار رسمی همچنان به عنوان یک چالش باقی می ماند.

در بسیاری از کشورها، جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله، چالش پیچیده برای نظام های بیمه های اجتماعی محسوب می شوند چرا که نسبت به سایر گروه های سنی، کارگران جوان برای ورود به بازار کار رسمی پایدار دارای مشکلات بیشتری هستند. با وجود اینکه سالانه بیش از ۴۰ میلیون نفر وارد بازار کار می شوند، ۴۰ درصد جوانان در جهان بیکار هستند و بیش از دو پنجم کارگران جهان در سراسر دنیا شغل مناسبی ندارند. جمعیت جوانان بیکار در سال ۲۰۱۶ در رده سنی ۱۵ تا ۲۴ سال ۷۱ میلیون نفر بوده است. در کشورهای OECD، ۳۰۰ میلیارد دلار دستمزد سالانه در نتیجه بیکاری جوانان از بین می رود.

در سالهای اخیر، برای نخستین بار بعضی از کشورهای آفریقایی و آسیایی در حمایت بهتر از کارگران پیشرفت هایی کردند، از جمله می توان به مزایای بیمه بیکاری اشاره کرد که آن را در برنامه های خود قرار داده اند. این برنامه های جدید ضروری هستند و باید در هنگام اشتغال به کارگران معرفی شوند. در حال حاضر در میان کشورهای اروپایی، دانمارک دارای نرخ نسبتاً بالای اشتغال جوانان و نرخ بیکاری آنان است. همچنین مشکلات بیکاری و اشتغال نامناسب در بازار کار کشورهای در حال توسعه اغلب بزرگتر هستند و ماهیت ساختاری آنها باعث می شود غیرقابل تحمل شوند.

تهیه و ترجمه: فریبا بهزاد
کارشناس امور بین الملل
منبع: www.issa.int